

دربارهٔ مناظرهٔ روزه و عید از ادريس بدلیسی

مهدی رحیم پور (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

مناظرهٔ روزه و عید یکی از رساله‌های حکیم‌الدین ادريس بن حسام‌الدین علی‌گُرد بدلیسی (وفات: ۹۲۶) منشی، مورخ، ادیب، شاعر، و خوشنویس دربار آق‌قویونلوها و سلاطین عثمانی است. وی، در دورهٔ صفویه و پس از آن‌که شاه اسماعیل به کشتار سنیان دست زد، به قلمرو شاهان عثمانی، حامیان ادب و شعرای سنتی‌مذهب، نظیر ادريس بدلیسی، گریخت و به سال ۹۲۶ در استانبول درگذشت. از او آثار مهمی به جا مانده است چون هشت بهشت (شامل شرح احوال و سلطنت هشت تن از پادشاهان عثمانی)^۱، ربیع‌الابرار^۲، خزانیه^۳؛

۱) از این کتاب نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های ایران و ترکیه نگهداری می‌شود و برخی نسخه‌ها را، که در زمان حیاتش کتابت شده‌اند، به خط خود او شمرده‌اند. (برای نسخه‌های موجود در ایران ← درایتی، ص ۱۱۸۴-۱۱۸۵). از مهم‌ترین نسخه‌های محفوظ در ترکیه‌اند: نسخهٔ شمارهٔ ۱۶۵۵ کتابخانهٔ خزینه و نسخهٔ شمارهٔ ۳۵۴۱ ایاصوفیا، که هر دو را به خط مؤلف دانسته‌اند؛ همچنین نسخه‌های شمارهٔ ۲۱۹۷ و ۲۱۹۸ و ۲۱۹۹ کتابخانهٔ اسعدافندی. این اثر بسیار مهم تاکنون چاپ نشده و ظاهراً سال‌هاست منصور صفت‌گل آن را در دست تصحیح دارد.

۲) نسخهٔ شمارهٔ ۱۸۸۸/۶ کتابخانهٔ اسعدافندی؛ نسخهٔ شمارهٔ ۷۵۷۴/۲ کتابخانهٔ مرعشی؛ و نسخهٔ شمارهٔ ۳۰۴۶/۱۰ کتابخانهٔ مرکزی تبریز.

۳) نسخهٔ شمارهٔ ۱۸۸۸/۷ کتابخانهٔ اسعدافندی.

قانون شاهشاهی^۴؛ مرآت الجمال^۵، سلیم‌نامه که، در آن، از عصر سلطان سلیم سخن رفته و حاوی گزارش جنگ چالدران است. سلیم‌نامه، با درگذشت ادريس، ناقص ماند تا اینکه پسر ادريس، ابوالفضل محمد افندی، به دستور سلطان سلیمان، به تکمیل و تنظیم آن مبادرت کرد^۶. از دیگر آثار او می‌توان به خواص الحیوان (ترجمه حیوة الحیوان دمیری)^۷، حاشیه بر تفسیر بیضاوی^۸، مرآت العشاق (رساله‌ای عرفانی)^۹، منشآت (شامل چند نامه کوتاه)^{۱۰}، حق المبین فی شرح حقّ الیقین للشیستری (شرح گلشن راز شیبستری)^{۱۱}، اشعار فارسی^{۱۲}، تدوین و گردآوری اشعار قاضی عیسی ساوجی و شیخ نجم‌الدین مسعود^{۱۳}، رساله الإیاء عن مواقع الوباء (تألیف: ۹۱۱)^{۱۴}، ترجمه فارسی چهل حدیث^{۱۵} و شرح أسرار الصّوم من شرح أسرار العبادات^{۱۶} اشاره کرد^{۱۷}.

(۴) این رساله به تصحیح عبدالله مسعودی آرانی و به همت انتشارات میراث مکتوب (تهران ۱۳۸۷) چاپ و منتشر شده است.

(۵) از این رساله چند نسخه از جمله مهم‌ترین آنها - نسخه کتابخانه عارف حکمت مدینه ظاهراً به خط خود ادريس؛ نسخه شماره ۱۸۸۸/۱ کتابخانه اسعدافندی، نسخه شماره ۲۹۶۸ دانشگاه تهران؛ نسخه شماره ۲۷۸۱ مدرسه سپهسالار - شناخته شده‌اند. این رساله به تصحیح علیرضا قوجه‌زاده آماده انتشار است.

(۶) از این کتاب بسیار مهم، نسخه‌هایی چون نسخه شماره ۱۴۲۳/۲ کتابخانه امانت خزینه‌سی و نسخه شماره ۱۵۴۰ روان کوشکی، هردو در ترکیه، درخور توجه است.

(۷) نسخه شماره ۱۶۶۵ روان کوشکی و نسخه شماره ۱/۱۲۱/k کتابخانه معلّم جودت استانبول.

(۸) نسخه‌ای به شماره ۳۰۳ از این اثر در کتابخانه ایاصوفیا نگهداری می‌شود.

(۹) رساله چهارم از مجموعه شماره ۱۸۸۸ کتابخانه اسعدافندی.

(۱۰) نسخه‌های شماره ۹۰۶ دانشگاه استانبول که ظاهراً با منشآت فرزندش، ابوالفضل محمد افندی، در یک مجموعه مندرج است؛ نسخه شماره ۳۸۷۹ اسعدافندی شامل منشآت ادريس بدلیسی.

(۱۱) از این شرح، نسخه‌هایی به شماره ۲۳۳۸ در کتابخانه ایاصوفیا و به شماره ۱۶۴/۴ در آفسکی ترکیه محفوظ است.

(۱۲) در همان مجموعه شماره ۱۸۸۸ اسعدافندی چند قصیده از ادريس مندرج است.

(۱۳) دیوان این دو شاعر، همراه تصویری از مقدمه ادريس بدلیسی بر آن، به کوشش امینه محلاتی با عنوان دیوان دوسرینده از قرن نهم، به همت انتشارات کتابخانه مجلس (تهران ۱۳۹۰) چاپ و منتشر شده است. مصحح، برای تصحیح و چاپ این دو دیوان و مقدمه ادريس، تنها از یک نسخه محفوظ به شماره ۳۹ در کتابخانه اویسالای سوئد استفاده کرده در حالی که نسخه‌ای دیگر از آن به شماره M.C.Y.K.۱۲۱، در کتابخانه م. جودت وابسته به بلدیة استانبول، نگهداری می‌شود (← سبحانی، ص ۴۹۹-۵۰۰)، که مصحح ظاهراً اطلاعی از آن نداشته است.

(۱۴) از این اثر طبّی، نسخه‌های متعددی از جمله نسخه شماره ۶۸۴ راشدافندی استانبول؛ نسخه شماره

۱۶۸۲ اسعدافندی؛ نسخه شماره ۱۱۲۸ حمیدیّه؛ نسخه شماره ۹۲/۷۰۸ سلیمانیه شناخته شده است.

(۱۵) نسخه شماره ۷۹۱/۱ کتابخانه فاتح حاوی ترجمه و شرح چهل حدیث و نسخه‌های شماره ۸۲۳

یکی از رساله‌های ادريس مناظره روزه و عید است که گفت‌وگویی است بین ماه رمضان و عید فطر^{۱۸}. استاد پورجوادی سال‌هاست که در زمینه مناظره‌ها مطالعه و تحقیق می‌کنند و حاصل تحقیقات ایشان، صرف نظر از انتشار چند مناظره فارسی به نظم و نثر، تألیف کتابی مهم و ارزنده با عنوان زبان حال در عرفان و ادبیات فارسی است^{۱۹}. مناظره روزه و عید ادريس بدلیسی یکی از مناظراتی است که پورجوادی، از روی نسخه خطی محفوظ در کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی، تصحیح و در مجله معارف (دوره بیستم، شماره ۲، مرداد-آبان ۱۳۸۲، ص ۱۳-۳۹) چاپ کرده است. از این رساله تاکنون سه نسخه شناسایی شده است:

— نسخه شماره ۳۲۰۳ کتابخانه ایاصوفیه که فهرست‌نگار، از اشاره مؤلف به تاریخ ۹۰۸ در ابتدای رساله، گمان برده که آن تاریخ تألیف و کتابت است. وی، بر همین اساس، حدس زده رساله به خط مؤلف باشد^{۲۰}، در حالی که ادريس در آنجا به ماجرای مهاجرت خود از دربار آق‌قوینلوها پس از سقوط این دولت و پناهنده شدن به دربار بایزید دوم اشاره دارد که در سال ۹۰۸ اتفاق افتاده است. بنابراین، تألیف این رساله باید پس از سال ۹۰۸ باشد. به هر حال، این

→ دانشگاه استانبول و ۳۰ لالا اسماعیل حاوی ترجمه و نظم حدیث الاربعین است.

(۱۶) نسخه شماره ۱۹۹۴ ایاصوفیا.

(۱۷) در باب زندگی و آثار ادريس، اطلاعات ضدّ و نقیضی وجود دارد. به عنوان نمونه، اثری با عنوان مناظره عقل و عشق به وی منسوب است (سبحانی، ص ۳۸۹) در حالی که این رساله از صائِن الدّین علی بن محمّد ترکیه اصفهانی است و، به تصحیح اکرم جودی نعمتی و همت نشر اهل قلم (تهران ۱۳۷۵)، چاپ و منتشر شده است. همچنین شرحی از دفتر اول مثنوی به ادريس بدلیسی نسبت داده شده است (← دانش‌پژوه ۱، ص ۳۰۱۹؛ دانش‌پژوه ۲، جلد ۳، ص ۲۰۰؛ منزوی ۱، ص ۱۲۵۵؛ منزوی ۲، ص ۵۹۲؛ حائری، ص ۸) در حالی که این شرح از آن حسن ظریفی چلبی است و، با عنوان کاشف الاسرار و مطلع الانوار، به تصحیح علیرضا قوجه‌زاده و به همت انتشارات بین‌المللی (تهران ۱۳۸۹)، چاپ و منتشر شده است. همچنین رساله قادن شاهنشاهی وی که چاپ شده (← پانوش شماره ۲)، در برخی منابع، به اسم آداب سلطنت نیز آمده و کسانی آن را اثری دیگر پنداشته‌اند. همچنین است بهارته و ربیع‌الابرار که هر دو عنوان یک رساله‌اند اما کسانی آنها را دو رساله متمایز پنداشته‌اند. با این حال، عجلتاً برای زندگینامه و آثار او ← Menage pp 1207-1208; Fleischer, pp 75-76 و ترجمه آن، ذیل بدلیسی، ادريس، در دانشنامه جهان اسلام ص ۵۳۱-۵۳۲؛ نیز ← اوزون چارشی‌لی، ص ۲۹۴ و ۶۴۰؛ حسنی، ص ۳۷-۳۹.

(۱۸) درباره این مناظره، نحوه گفت‌وگو و ویژگی‌های اثر ← پورجوادی، ص ۷-۹.

(۱۹) این کتاب بار اول، به همت انتشارات هرمس (تهران ۱۳۸۵) چاپ و منتشر شد. چاپ دوم آن همراه با اضافاتی، به سرمایه انتشارات نشر نو و آسیم (تهران ۱۳۹۳)، انتشار یافت.

(۲۰) ← حسینی، ص ۳۳۶.

نسخه دارای بیست و پنج برگ است و، به گزارش فهرست‌نگار، کامل و خواناست. ما متأسفانه فعلاً به این نسخه دسترسی نداریم.

– نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در مجموعه‌ای به شماره ۷۵۷۴ که سومین رساله آن مجموعه است^{۲۱}. رساله تاریخ کتابت ندارد و فهرست‌نگار و مصحح محترم در این باب نظری اظهار نکرده‌اند. اما با توجه به رساله ربیع‌الابرار ادريس بدلیسی که در این مجموعه مندرج است و نگارنده تصویری از آن را تهیه کرده، کتابت آن نباید زودتر از قرن یازدهم بوده باشد. این نسخه، به احتمال قوی، در زمره نسخه‌هایی است که از کتابخانه ثقة‌الاسلام تبریزی به کتابخانه مرعشی منتقل شده است^{۲۲} و آن یگانه نسخه‌ای است که پورجوادی در تصحیح رساله روزه و عید، از آن استفاده کرده است و دارای دو ایراد اساسی است: اولاً ناقص است یعنی، به جز دو برگ آخر که از دست‌نویس مرعشی افتاده، در متن نیز شاهد افتادگی‌ها به‌ویژه در اشعار فارسی هستیم؛ ثانیاً پر از خطاهای کتابتی کاتبی ظاهراً بی‌سواد و بی‌دقت است.

– نسخه مندرج در مجموعه محفوظ به شماره ۱۸۸۸ در کتابخانه اسعدافندی که در مجموعه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود. کل مجموعه به دست محمد بن بلال^{۲۳} در سال ۹۵۲ کتابت شده و روزه و عید ادريس پنجمین رساله مندرج در آن است که در دوم ذی‌القعدة همان

(۲۱) درباره این مجموعه و ویژگی‌های ظاهری نسخه – حسینی اشکوری، ص ۳۸۰-۳۸۱. بدیع‌الزمان فی قصه حی بن یقظان از فضل‌الله روزبهان خنجی (وفات: ۹۲۵) اولین رساله این مجموعه است و ربیع‌الابرار ادريس بدلیسی دومین رساله. نگارنده، چند سال پیش، به درخواست ناشری، همین نسخه ربیع‌الابرار را با نسخه خطی دیگری از آن محفوظ به شماره ۳۰۴۶/۱۰ در کتابخانه مرکزی تبریز مقابله کرد و قصد داشت، به همراه تصحیح چند رساله دیگر از ادريس بدلیسی (به جز هشت‌بهشت) که بسیاری از آنها را از کتابخانه‌های ایران و ترکیه تهیه کرده بود، منتشر کند. اما، به دلایلی، تاکنون موفق به آن نشده است.

(۲۲) ← طباطبایی، ص ۵۳۸.

(۲۳) همین کاتب اثر مهم ادريس بدلیسی، هشت‌بهشت، را نیز در سال ۹۶۸ کتابت کرده که نسخه‌ای از آن زمانی در دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز نگهداری می‌شد (دانش‌پژوه ۳، ص ۳۲۳)؛ اما اکنون از سرنوشت این نسخه و سایر نسخه‌های دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز اطلاعی نداریم. در این فهرست، کلاً دوازده نسخه خطی عربی و فارسی معرفی شده، در حالی که شمار نسخه‌های خطی محفوظ در آن کتابخانه باید بیش از اینها باشد. در ضمن، اگر شمار میکروفیلم‌های مؤسسه تاریخ و فرهنگ تبریز (وابسته به دانشکده ادبیات تبریز) را – که به همت دانشمند فقید، استاد منوچهر مرتضوی، تأسیس و، با تلاش ایشان و همکاران وفادارشان از جمله زنده‌یاد استاد رشید عیوضی، میکروفیلم‌های متعددی از کتابخانه‌های دنیا در آن مؤسسه گردآوری شد – به این آمار افزوده شود، شمار نسخه‌ها و میکروفیلم‌ها از هزار متجاوز خواهد شد. امید است محتویات این مؤسسه، که زمانی نگارنده به تنظیم و ترتیب کتاب‌ها و تصویرهای این میکروفیلم‌ها مشغول بود، هرچه زودتر از حبس و حصر آزاد گردد و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار گیرد.

سال کتابت شده است^{۲۴}. کل مجموعه دویست و پنجاه برگ است به قطع ۱۵/۵ در ۲۱ سانتیمتر و هر صفحه در هفده سطر. مناظره روزه و عید شامل برگ‌های «۲۱۱پ» تا «۲۲۶ر» است. این نسخه نسبت به نسخه کتابخانه مرعشی مزیت‌هایی از حیث قدمت، کامل بودن، و صحت ضبط دارد.

نگارنده، که چند سال پیش به گردآوری تصاویر نسخه‌های خطی آثار ادريس بدلیسی همت گماشت، تصویری از نسخه رساله مناظره روزه و عید محفوظ در کتابخانه اسعدافندی را نیز، به لطف دوست دانشمند و برادر ارجمند آقای نجدت طوسون، استاد دانشگاه مرمره استانبول، به دست آورد. ابتدا قصد تصحیح آن همراه سایر رساله‌های ادريس را داشت؛ اما، با منتشر شدن تصحیح پورجوادی، از آن منصرف و بر آن شد تصویر نسخه خطی کتابخانه اسعدافندی را در اختیار ایشان بگذارد تا آییناً، در ویرایش جدید، از آن استفاده شود. متأسفانه این فرصت فراهم نشد تا آن‌که در صدد برآمد، ضمن معرفی نسخه اسعدافندی، که هم کامل‌تر است و هم صحیح‌تر، نقایص نسخه مرعشی را به کمک آن رفع کند و، با مقابله دو نسخه، اشکال‌های نسخه مرعشی و آییناً نسخه اسعدافندی را نشان دهد. ناگفته نماند که استاد پورجوادی، در مقدمه رساله، متذکر شده‌اند «اگر روزی قرار باشد که تصحیح این متن به طور کامل انجام گیرد، باید هم نسخه یا نسخه‌های دیگری از آن پیدا شود و مورد استفاده قرار گیرد و هم پاره‌ای از مطالب و لغات آن توضیح داده شود». (ص ۱۰)

با توجه به اینکه بسیاری از نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های خارج از کشور به صورت علمی و دقیق فهرست نشده‌اند، اطلاع دقیق یافتن از آثار خطی موجود در کتابخانه‌ها دشوار است. به هر روی، در این یادداشت، ابتدا دو برگ انتهایی رساله را که در نسخه خطی کتابخانه مرعشی افتاده است عیناً از روی نسخه اسعدافندی نقل می‌کنیم و، در ادامه، به مقابله نسخه اسعدافندی با چاپ استاد پورجوادی می‌پردازیم و، ضمن تکمیل و رفع نقایص، به موارد مهم اختلاف دو نسخه که به تغییر مفهوم و معنی عبارات منجر می‌گردد اشاره می‌کنیم. ضمناً، در هر مورد که ضبط نسخه مرعشی ارجح

۲۴) سایر رسالات ادريس در این مجموعه‌اند: مرآت الجمال، قانون شاهنشاهی، مرآت العشاق، ربیع الانوار یا بهاریه، و خزائنه.

به نظر رسد، بدان اشاره خواهیم کرد. در پایان این یادداشت را، که صرفاً تکملاً کار استاد پورجوادی است، به محضر ایشان پیشکش می‌کنم.

دو برگ انتهایی رساله که در نسخه مرعشی افتاده است به نقل از نسخه اسعدافندی

لیکن ای رمضان که، در راه حق، تو ما را رفیقِ طریقی و ای عید فطر که ما را به جای برادری عزیز و شقیق [= برادر] شقیقی، اکنون سخنِ حق و حقِ سخن درین محاکمه میان شما خصمان آن است که، اگر نه در سختی مجاهده رمضان نشانِ آلم هجران بودی، راحتِ عید موصلت اقتضا میان دوستانِ آرزومند کجا می‌نمودی؟ و، اگر نه گوشِ دل به بشارتِ وصل به مطالعه جمالِ عید وصال می‌شنودی، قدر شبِ وصل را در ذکرِ لیلۃ القدر خدای تعالی چرا می‌ستودی؟ اما فایده این قدر مکابده [= رنج و سختی کشیدن] در معانده [= ستهیدن، عناد ورزیدن] و تضاد و قاعدهٔ عنادِ جمهورِ عباد در تفضیل هر کدام از ایامِ صیام و اعیادِ همین ظهورِ سرِ حکمیِ الأشیاء بتمایز بالأضداد است و پیش حکیم ریاضیدان، که معیار ماهیت ماه و سال است، و در مجمعی که مقرّ دانشورانِ کشور فضل و کمال است، قانونِ حدیثِ پُرحکمتِ إختلافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ قَاعِدَةُ مَقَرَّرٌ وَ شِبْهُهُ أَيْ مَعْتَادُ

نظم

با هم شب و روز چون مُجادل شده‌اند در ظلمت و نور هم مقابل شده‌اند
زین گونه مخالفت جهان راست نظام زین نکته مخالفان چه غافل شده‌اند

الحمد لله تعالی که، به تأیید سلطانِ ممالکِ جسم و جان و فرمانفرمای ملوکِ عصرِ بی‌سامان، از یمن امن و امان و از حُسنِ اسلام و احسانِ این خلیفهٔ الخلفاء جهان، هر روزه میان ابناءِ زمان لایزال شادمانی و ابتهاجِ عیدست و ما جمله خلائقِ مَلکةِ رحمتش در مقامِ فضلِ فرید و عدلِ مدید؛ و این غریبِ مُمتَحَن و این دردمندِ مستمند به چندین بلیت و مِحَن، به وسیلهٔ تقدیمِ وظیفهٔ دعاگویی و به ذریعهٔ تهیهٔ مقدماتِ تهنیه و ثناجویی، به تقریبِ قربتِ ایامِ خجسته‌فرجامِ رمضان، هر روزه، به زبان حال و مقام، از میانِ جان، مبارکبادی اوقاتِ سعیدی لیبالی و ایام و تهنیه‌گوئیِ قدومِ عید بر اثرِ ماهِ صیام اقدام نمود.

قصیده التهنیه لمؤلفه

تا رسد بر ماهِ روزه آفت عین‌الکمال*

عُزّة عیدِ خلائقِ باد محفوظ از وبال

آفتابِ مُلک و دین و کامیابِ کامبخش
آسمانِ فضل و احسان مهرِ پُرفضل و نوال*
عید طلعت پادشاهِ وقتِ سلطان بایزید
روم را قیصرنشان و شاهِ اسکندر خصال
دور او هر روزه عید و خوانِ او چون مائده
ز آسمانِ جود آید بر زمین هر ماه و سال
شد غلامِ حلقه درگوشش فلک کز ماهِ عید
گوشوارِ زر فزوده* بر رخس حسن و جمال
صفحه گردون مکرر پیشه ور* شد کز زرش
گشته طغرا ماهِ عید و از شفق والا* ی آل*
عکسِ شمشیرِ هلالِ آسای او در جامِ چرخ
مُلکِ دین را عید گشت و مُلکِ کافر را زوال
ای حریمِ بارگاہت عرصه بیئتِ الحرام
وی جمالت عیدِ اکبر پیش اربابِ کمال
شد طوافِ درگهت حجّ المساکین چون کنم
پای رفتن نُبودم کز جورِ دهرم پایمال
عالمی در دورِ تو چون عیدِ شاد از نعمت اند
باشد از خوانت کنم عیدی پس از صومِ وصال
گرچه دورم زاستانت هر سحرِ مُرغِ دلم
می پرد آن شو که گوید هم دعا و عرض حال
مُرغِ همت کرده پروازی بر اوجِ مدح تو
تا چو ظلّ شه به عالم برگشاید پز و بال
کرده ام ذکرِ جمیلت ثبت بر اوراق دل
حیف از آن ارقام ماند در شبستانِ خیال
از سوادِ چشمِ خود کردم رقم اوصاف تو
بر بیاضِ صفحه گیتی کنم ثبت آن مقال
گر به مدحِ خاندانت نام و صافی برم
خودستایی باشد و اندیشه امرِ مُحال

پاشکسته کلکِ من در بحرِ مَدَحَتِ چون رود
پایِ موری را نباشد عرصهٔ دریا مجال
دارم امیدی ز فضلِ حق به یمنِ نامِ شاه
خسروان زان خطّ می سازند میلِ اِکتحال*
یابد احیای دگر جانِ شهیدان در بهشت
ذکرِ اجداد و جهادت چون نویسم حسبِ حال
رتبَتِ ادريس پیشِ جاءِ مَدَاحانِ شاه
پیشِ انجم دان هلالِ عید و آن صَفِّ نِعال*
بهر بسطِ مَدَحَتِ و وردِ دعایتِ نعمتی است
کنجِ عزلتِ گر بود با نعمتی بی قیل و قال
من که دارم صد آلم از زخمِ هجرانِ جگر
از گرانجانان ندارم بارِ دل را احتمال*
تا بود سیاحِ گیتی روز و شب ابلق سوار
تا گُند از منزلِ شهری* به شهری* انتقال
باد هر ماهتِ چو عامِ فتح* با نصرتِ قرین
باد هر روزه ترا عیدی ز فضلِ ذوالجلال
تَمَّتِ الرِّسَالَهُ وَقَعَ الْفِرَاقُ مِنْ تَنْمِيقِهَا فِي الثَّانِي مِنْ
ذِي الْقَعْدَةِ الْمُبَارَكِ لِسَنَةِ اَثْنَتَيْ وَخَمْسِينَ وَتِسْعِمِائَةَ
عَلَى يَدِ الْفَقِيرِ مُحَمَّدِ بْنِ بِلَالٍ
عَفَا عَنْهُمَا الْعَمَلُ الْمَتَعَال

* عین‌الکمال، چشم‌زخم * نوال، عطا و بخشش * اصل: فروده * پیشه‌ور، ظاهراً به معنی «عامل و خادم» * والا، حریر بسیار لطیف و نازک * آل، سرخ * میل اکتحال، میل سُرمه‌کشی طَقْفِ نِعال (صف‌کفش‌ها)، کفش‌کن، آستانه و درگاه * احتمال، تحمّل، بارکشی * شهر، ماه * عامِ فتح، سالِ فتح (ظاهراً اشاره دارد به سال فتح روم (شام) ← سورهٔ روم ۳۰: ۲).

همچنان‌که قبلاً نیز گفتیم، نسخهٔ مرعشی، به‌جز این افتادگی‌ها، اغلاط کتابتی متعددی

دارد. در نسخه خطی اسعدافندی نیز خط‌هایی دیده می‌شود اما نه به مقدار نسخه مرعشی. در اینجا مهم‌ترین اختلاف‌های این دو نسخه را نشان می‌دهیم. ناگفته نماند که نگارنده تصویری از نسخه مرعشی در اختیار ندارد و مقابله صرفاً بر پایه ضبط‌های استاد پورجوادی انجام گرفته است. در مواردی نیز که ضبط مرعشی پذیرفتنی‌تر از ضبط اسعدافندی تشخیص داده شد، بدان اشاره شده است.

صفحه ۱۳، سطر ۱۸*: «به سنت اصحاب کُهِف، به سبب التَّهَابِ نیران شوق و کُهِف». مصحح عین متن را نقل کرده و، در پانوشت، به درستی کُهِف را مصحَّف لَهْف به معنی «حزن و اندوه» محتمل دانسته است. در نسخه اسعدافندی نیز لَهْف ضبط شده است.

صفحه ۱۴، سطر ۳: مصرعی از این نبأة المِصری، شاعر قرن هشتم، (أَحْنُ إِلَى أَهْلِي...) آمده که در نسخه اسعدافندی مصراع دوم آن (وَأَيْنَ مِنَ الْمُشْتَاقِ عَتَاءٌ مُغْرِب) نیز آمده است. صفحه ۱۵، سطر ۱۶: در نسخه اسعدافندی، پس از بیت «ز خارستانِ اندوهش گلِ بهجت...»،

بیت

هواهایی ز دلگیری چو رای دشمنان تیره
نه آن بادی که گه‌گه چون نسیم بوستان باشد
نیز آمده است.

صفحه ۱۶، سطر ۳: در نسخه اسعدافندی، قبل از ترکیب «عبادت‌گذاران»، بوالمجب آمده است.

صفحه ۱۶، سطرهای ۱۵ و ۱۶: «ناگاه از نشیمن گبر و مسلمان... غوغایی شنیدم و در آن چمن موحد و ملحد شورش مجلس سماع و غنا می‌دیدم». در نسخه اسعدافندی، به جای در آن چمن، انجمن ضبط شده که، به قرینه «نشیمن» و «مجلس»، صورت درست است. همچنین، در نسخه اسعدافندی، به جای غنا می‌دیدم، غنایی دیدم ضبط شده که، به قرینه «غوغایی شنیدم»، درست به نظر می‌رسد.

صفحه ۱۶، سطر ۱۹: «و هواپرستان اوپاش و سرمستان عیاش را صفحه رخسار، چون صبح حجازشان مکدر و دژم...» ضبط درست در نسخه اسعدافندی «چون صبح خمارشان» است که با «هواپرستان» و «سرمستان» تناسب دارد.

* نشانی‌ها به تصحیح استاد پورجوادی متعلق است.

صفحة ۱۷، سطر ۲: در نسخه اسعدافندی، پس از عبارت «تاریک گشته»، دو بیت زیر:

آمدگه آنکه ذکر او هر نفسم شد ورد شب و روز ز شوق و هوسم
شد شام رغاییم براتی حاصل باشد که شب قدر به کامی برسم*

* اصل: رسم که، با آن، وزن مختل است.

آمده است.

صفحة ۱۷، سطر ۴: «و اما در میان کفار تبه روزگار سیه کار در اکثر آن ایام آوازه روزه و صیام بود و عبادت هر روزه از صوم آن نثار بدنام». ضبط نسخه اسعدافندی: نصاری به جای نثار که درست است و پاره بعد («افطار ایشان به شربت خمر و خمیر نان و فطیر و کباب و تنقلشان از گوشت خبیث مئیته و جنزیر») آن را تأیید می کند.

صفحة ۱۷، سطر ۱۴: «همه روزه جدول خون به دو رخ چه سود دارد». این مصرع، در نسخه اسعدافندی، با دوزخ (به جای دو رخ) آمده که خطای کاتب است.

صفحة ۱۷، سطر ۱۶: «از غایت انس و اعتیاد بنار مویدی و ترک مراد، مواد شادمانی اعیاد را از عقب روزگار هجر بر امر محال می پنداشتم». در نسخه اسعدافندی، بناامیدی (به ناامیدی) ضبط شده که درست است.

صفحة ۱۷، سطر ۱۹: دو بیت عربی آمده که مصرع دوم بیت اول به صورت «سقوا الاصطناح [؟] یوم عید» ضبط شده است. اصطناح، همچنان که مصحح با علامت سؤال در آن تردید کرده، معنای مشخصی ندارد. در نسخه اسعدافندی، به جای آن، الإصطباح به معنای «صبحی زدن» آمده که درست است.

صفحة ۱۸، سطر ۵: «چنانچه صوم نصاری در شهر آدمی معهود است، در غره رمضان سنه ثمان و تسعمانه (۹۰۸) با هم معدود است»، نسخه اسعدافندی به درستی شهر رومی ضبط کرده است. منظور از شهر رومی همان ماه های سریانی است که در زبان عربی بدان شهر الزوم گفته می شود. ضبط نسخه مرعشی به صورت شهر آدمی هیچ معنایی ندارد.

صفحة ۱۸، سطر ۲۰: «و به این دل مأیوس به صحبت مونسان و با سینه مأیوس از راحت و کامرانی چون قطره خونابی بر آتش هجران»، در نسخه اسعدافندی «به این دل مأنوس به صحبت مونسان» ضبط شده که درست است.

صفحة ۱۹، سطر ۱۵: «مرا به غیر از این دو برادر طریقت که همه باهم رفیق و همراهیم، با نه کس

دیگر از سالکان راه حق و صلۀ ارحام است». در نسخه اسعدافندی، «باز کس دیگر از سالکان راه حق ما را نسبت و صلۀ ارحام است». در این ضبط، باز نادرست است؛ چه، صحبت از ماه‌های قمری است و ماه رجب می‌گوید من به غیر از دو ماه شعبان و رمضان با نه ماه دیگر نیز نسبت و خویشاوندی دارم. ضمناً، در تصحیح استاد پورجوادی، نسبت پیش از او و عطف افتاده است.

صفحه ۱۹، سطر ۱۹: «به غیر از احرام حرم محترم و تقبیل و التسام رکن و مقام همه مشغله‌های دیگر نزد ایشان حرام». در نسخه اسعدافندی، التثام به معنی «بوسه زدن» آمده که درست است. صفحه ۲۱، سطر ۱: «بی‌قراری ما در ساعت لیل و نهار، بی‌شک قرار فرموده است». در نسخه اسعدافندی به یک قرار آمده که درست است.

صفحه ۲۱، سطر ۲۲: چاره کن ای چاره بیچارگان روی شکایت نه کسی را ز ما در نسخه اسعدافندی، به جای آن، دو بیت

چاره کن ای چاره بیچارگان بار شو ای مونس غمخوارگان
گر بکنی لطف بسی را ز ما روی شکایت نه کسی را ز ما^{۲۵}

آمده است. در این ابیات نظامی مشخص است که از مصراع اول بیت اول (چاره کن...) و مصراع دوم بیت دوم (روی شکایت...)، بیتی ساخته شده که دو پاره آن ربط معنایی ندارند. صفحه ۲۳، سطر ۴: بلاد الله... فضاها و فضل الله فی الدنيا فسیح در نسخه اسعدافندی: بلادُ الله واسِعَةٌ فضاها ضبط شده که واسِعَةٌ در تصحیح استاد پورجوادی افتاده است.

صفحه ۲۳، سطر ۲۰: «تعجیل مراکب آرزوی سریع السوق». در نسخه اسعدافندی، سریع الشوق ضبط شده که خطای کاتب است.

صفحات ۲۴ و ۲۵: پانزده بیت از ابیات ادريس در وصف شهر صوفیه نقل شده است. در نسخه اسعدافندی، سی و هشت بیت آمده است. بیست و سه بیت غایب در تصحیح

۲۵) در مخزن الاسرار (چاپ قطره، ص ۱۰)، بیت به صورتی گرچه کنی قهر بسی را ز ما روی شکایت نه کسی را ز ما ضبط شده است. اگرچه ضبط لطف، در مصراع اول به صورتی که در نسخه اسعدافندی آمده، درخور توجه است، ضبط قهر، با توجه به معنی و مفهوم کل بیت، صحیح به نظر می‌رسد. ضمناً، در نسخه اسعدافندی، مصراع دوم به صورتی روی شکایت به کسی را ز ما ضبط شده که درست نیست.

استاد پورجوادی ذیلاً نقل می‌شود. (جای ابیات، با... پیش از آنها، نشان داده شده است)

... به حُسنِ خلق و خلقِ حسنِ موصوف	به طورِ مردمی مشهور و معروف
به طاعتِ رغبتِ پیر و جوانش	ملک‌سیرت‌گروهی در میانش
همه جویای ذوقِ علمِ توحید	ملازمِ مشربان بی‌قید تقلید
... صبایی گر وزد زان گلشن و کوه	برآردِ گردِ غم از کوه اندوه
به یادِ شهر تبریز و سهندش	ببستم دل بر آن کوه بلندش
ز اشکِ خون به یادِ کوه سرخاب	بشستم چشمِ خود زان کوه پرآب
کنم بو هر سحر آنجا صبا را	که آرد نکهٔت یارانِ ما را
... چه سلطانی که عالم را مدار اوست	به عالم کامگار برقرار اوست
قرارِ مُلکِ او بر پایهٔ عدل	بگسترده جهان را سایهٔ عدل
شه سلطانشانِ مُلکِ دین اوست	پناهِ شرع در روی زمین اوست
سکندر حشمتان سیرابِ جامش	به مُلکِ روم صد قیصر غلامش
درش چون کعبه و دارالسلام است	مگر دورانِ او شهزادِ حرام است
فزوده چون که بر طاعت قیامش	به خدمت آمده ماهِ صیامش
... چه جای دین که کفرِ ظلمت‌اندوز	به حُکمش شد چو روزِ شرعِ فیروز
چو رویِ همّتش در بسطِ دین است	ازان هر جمعه عیدُ المؤمنین است
دوامِ روزِ تست این عیدِ اقبال	مبارک باد ماهِ روزه هر سال
به پشتِ توسنِ چرخِ برآیین	هلالِ عید باشد زینِ زرین
لُجامِ چرخِ سرکش شد مُطَّلَا	دوالِ ماهِ نو بر وی مُطَّرَا
که در خیلِ سپاهِ شاهِ دوران	سپهر اینک مکمل کرده یکران*
به روزِ شاهیت بادا مکرر	مه عیدت که هستی عیدِ اکبر
ز ماهِ عید دل‌ها خرم و شاد	به دورِ شه ز غم‌ها گشته آزاد
نینم جز خود از غمِ پُر نصیبی	مقیم بیتُ الأحزانِ غریبی
... چو هر روزم بؤد عید از نوالش	مهنا عید او هم ماه و سالش

* یکران، اسب اصیل و تندرو

صفحهٔ ۲۵، سطر ۱۱: «دیگر باره داعیهٔ مصاحبت و از روی محاوره و مجاوره... تجدید یافت».

در نسخه اسعدافندی: «آرزوی محاوره و مجاوره» آمده که درست است.
صفحه ۲۸، سطر ۳: «ماه روزه چون شعله شمعی در شب نار زیانه کشیدن گرفت». در نسخه
اسعدافندی: «در شب نار و مار کشیدن گرفت» که درست نیست و ضبط تصحیح پورجوادی
درست است.

صفحه ۲۸، سطر آخر: ز غیر هرچه نوشتیم به راه دیده و دل که نیست بهتر از این در طریق ما روزه
مصراع اول در نسخه اسعدافندی «ز هرچه غیر تو بستیم راه دیده و دل» ضبط شده که درست
است و با مصراع دوم مطابقت معنایی دارد.

صفحه ۲۹، سطر ۲: «رتبت من همنشینی ملائک ارائک ممالک تقدیس است». در نسخه
اسعدافندی: «... ملائک بر ارائک...» ضبط شده که درست است.

صفحه ۲۹، سطرهای ۱۸-۲۱: «عید به حقیقت آن نوعروس شاهی است که از تردامنی با آن
لبهای باریک می آلود چون لب ساغر باده زرانود همیشه به کام می پرستان او باش بوده است». نسخه
اسعدافندی: «با آن لبهای تاریک می آلود... به کام می پرستان او باش و رونود است».

ضبط باریک، در نسخه مرعشی به جای تاریک در نسخه اسعدافندی درست است.
در عوض، ضبط او باش و رونود در نسخه اسعدافندی درست به نظر می رسد.

صفحه ۳۰، سطر ۱۱: «سپهر از تند خوی و تیزی نیروی او در هر مقام در پاس و بیم است». ظاهراً
واژه پاس در نسخه مرعشی باش ضبط شده که مصحح آن را به صورت پاس تصحیح
کرده است. ضبط درست در نسخه اسعدافندی باس به معنی «بیم و ترس» است.

صفحه ۳۰، سطرهای ۲۲ و ۲۳: «هر روزه نورانیت در صفحه روی ایشان بشیر و بشر پدیدار است».
در اسعدافندی به درستی «بیشتر و بیشتر پدیدار است» ضبط شده است.

صفحه ۳۱، سطر ۴: در نسخه اسعدافندی، پس از عبارت «و صفحه دل های آینه سان ایشان
مجلای [کذا] وحی آسمانی است»، دو بیت

المؤلفه

انبان درون تهی چو از ننان* نشود دُرج گهر مخزن سلطان نشود

تا صوم وصال و شام هجران نشود جانان به سر خوان تو مهمان نشود

* اصل: حواریان، تصحیح قیاسی است به قرینه «صوم وصال»

آمده که ظاهراً در نسخه مرعشی و، به تبع آن، در تصحیح پورجوادی نقل نشده است.
صفحه ۳۲، سطر ۱۳: در نسخه اسعدافندی پس از «احسان و افضال است» دو بیت

نظم

اگرچه روزه بفرمود خلق را امساک ولی گرفته ز من هر شبی عطا روزه
ز بس که روزی خلق از دَرَم مهیا شد گشاد بر در من منع و گدا روزه
صفحه ۳۳، سطر ۱۰: در نسخه اسعدافندی، پس از عبارت «احتماً و احتراز فرموده»،
شانزده بیت از یک مثنوی ادريس آمده که در تصحیح پورجوادی نیامده است و ذیلاً نقل
می شود:

در ریاضت تو روزه مرجومی	در چه کاری حریص و محرومی
از سحر تا به شام گشته زار	هیضه هر شب شده پس از افطار
تشنگی می‌کشی تو ای رمضان	فیض تو کو ز شربت قرآن
گرچه قرآن چو شهد فیه شفاست	هیضه را جام شهد رنج و عناست
چون نداری حلاوت ایمان	چه کنی گشنگی تو ای رمضان
فضل من بین به حق نعمت حق	که خدا چون شده به ما اشفق
ناز و نعمت نصیب من کرده	گشنگی را تو بُرده غم خورده
روز عیشم ببین چه غمخواری است	هرکه روزه ست محرم باری* است
خو برویان به روی من خندان	از تو با جان رسیده پیر و جوان
چون مرا روی دوست هست چو عید	نعمت خوان حسن** باد مزید
کار من با طعام و اطعام است	فکر امساک پیش من خام است
نامم از اصل فطرت افطار است	عید فطرت ز روزه بیزار است
کاش هجران رفیق روزه شدی	عید ادريس آن دو روزه شدی
شکر حق خوان نعمت سلطان	گشته مبسوط در بسیط جهان
دور او عید ما فقیران است	سیری ما ز خوان احسان است
با لوندان رفیق و رندانیم	سیری عید فرض می‌دانیم

* باری، آفریدگار ** نسخه: + هست

صفحه ۳۳، سطر ۱۲: «هم‌کاسه‌های من ملازم درگاه حبیب‌اند، و هم سفران تو ای روزه هر شام... طالب‌خانه طیب». در نسخه اسعدافندی: «... هم سفرگان تو، ای روزه، هر شام... آمده» که، به قرینه هم‌کاسه‌ها، ضبط درست است.

صفحه ۳۴، سطر ۸: «تو ای روزه... اگر ترا در شب‌های تار اهل طاعت و در باطن روشن جماعت بر جماعت، شعله مصباحی است...». در نسخه اسعدافندی: «جماعت پرجماعت» (جماعت به معنی «گرسنگی») آمده که ضبط درست است.

صفحه ۳۵، سطر ۵: در نسخه اسعدافندی، پس از بیت «بر دست حنا نهاده خوبان...»، بیت ضایع شد ازو تمام اوقات ای عید تو کن جبر مافات [کذا]

آمده است.

صفحه ۳۵، سطر ۸: «این قصه... زمانم بشنو» که افتادگی دارد. صورت کامل مصراع بر اساس نسخه اسعدافندی چنین است: «این قصه محنت زمانم بشنو»

صفحه ۳۷، سطر ۷ و ۸: «... تمام ابنای متعین معین، آنی از آنات عنصر اوتی (؟) و آیتی از آیات قدمت آن هر اولی (؟) است...» (علامت سؤال‌ها از مصحح است). صورت درست عبارات در نسخه اسعدافندی چنین است: «تمام ابنای زمان متعین به تعین آنی از آنات آن عنصر ازلی و آیتی از آیات قدمت آن دهر اولی است...»

منابع

- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، ج ۲، انتشارات کیهان، تهران ۱۳۶۹.
- پورجوادی، نصرالله، «مقدمه» مناظره روزه و عید، مجله معارف، دوره بیستم، شماره ۲ (مرداد-آبان ۱۳۸۲)، ص ۳-۳۹.
- حائری، عبدالحسین، «آشنایی با چند نسخه از شرح‌های مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی بلخی»، پیام بهارستان، سال هفتم، شماره ۷۷ (آبان ۱۳۸۶)، ص ۷-۹.
- حسنی، عطاءالله، «یادداشتی پیرامون یک مورخ ایرانی و آثار او»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۷-۳۸، (آذر ۱۳۷۹)، ص ۳۷-۳۹.
- حسینی، محمدتقی، فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)، کتابخانه مجلس شورا، تهران ۱۳۹۰.
- حسینی اشکوری، سید محمود، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی، جلد ۱۹، زیر نظر محمود مرعشی، قم ۱۳۶۹.

دانش پژوه (۱)، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد ۱۳، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰.

—، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، جلد ۳، دانشگاه تهران ۱۳۶۳.
— (۳)، «کتابخانه دانشکده ادبیات تبریز»، نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۴ (۱۳۴۴)، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، ص ۳۲۳.

درايتی، مصطفی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، جلد ۱۰، کتابخانه مجلس شورا، تهران ۱۳۸۹.
سبحانی، توفیق، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۳.
طباطبائی، عبدالعزیز، «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرحوم ثقة الاسلام [تبریزی] در تبریز»، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۷، (۱۳۴۴)، ص ۵۳۱-۵۴۳.
منزوی (۱)، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد ۲ (۱)، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران ۱۳۴۹.
— (۲)، فهرستواره کتاب‌های فارسی، جلد ۷ (۱)، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۲.

FLEISCHER, Cornell H. "Bedlisi, mawlana Hakim-al-din, Edris", *Iranica*, IV, edited by Ehsan Yarshater, London & New York, 1990.

MENAGE, "Bidlisi, Idris, Mawlana, Hakim-al-din", *Encyclopaedia of Islam*, VI, Leiden, E.J.Brill, 1980.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی